

خرگوش و شیر



مشخصات کتاب

نام کتاب:	خرگوش و شیر
نویسنده:	فاطمه مهدوی
کنگوری سنی:	دوم
نقاش:	استاد خواجه عزیز الله احراری
ادیتور هنری:	مریم مروج زاده
طراحی، دیزاین و چاپ:	شرکت کاپل گروپ
ناشر:	موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

کمیته ارزیابی و ویرایش:
بهبیرالله ویاړ مشاور ملی تعلیم و تربیه موسسه بین المللی حمایه اطفال
حلیمه هزاره دبیا شاعر و نویسنده ادبیات کودک
سرمؤلف سید میر نقیب الله سیدزاده عضو علمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف
علم گل سحر نویسنده و شاعر
محمد فاضل شریفی پژوهشگر ادبیات کودک و عضو اکادمی علوم افغانستان
مینا زمانی مدیر مسئول مجله تربیت وزارت معارف ویژه کودکان و نوجوانان
مینا ابراهیم خیل مسئول مرکز مطبوعات وزارت اطلاعات و فرهنگ
نعیمه غنی نویسنده ادبیات کودک

تعداد چاپ: ۴۵۹۳ جلد
سال چاپ: ۱۳۹۵ هـ شمس - ۲۰۱۶ میلادی

کودکان عزیز!

کتاب خوانی یک سرگرمی و یک عادت بسیار خوب است که باعث پیشرفت متداوم در انسان ها میشود. بر علاوه، کتاب خواندن یک بخش بسیار مهم زندگی انسان ها را تشکیل میدهد و خواندن کتاب ها ما را در مورد جایها، واقعیت ها، انسانهای مختلف و زندگی و فرهنگ آنها بدون اینکه آنها را دیده باشیم می آموزاند. کتاب خواندن دنیای ما را وسعت میدهد و امکانات و فرصت های بی پایانی را در مقابل ما قرار میدهد.

برای اینکه شما بتوانید به کتاب های بیشتر دسترسی داشته باشید، موسسه حمایه اطفال هشتاد عنوان کتاب داستان و شعر را برای شما تهیه کرده است. من امیدوار هستم این کتاب ها برای شما جالب و خواندنی باشند و به شما بیاموزانند تا همدیگر و اطرافیان تان را دوست بدارید.

من میخواهم یاد آوری کنم که تهیه این کتاب ها، بدون همکاری های فراوان و مشارکت تعداد زیادی از نویسندگان و شعرای افغان از سر تا سر دنیا ممکن نبود. شعرا و نویسندگان افغان زحمات زیادی را متحمل شده اند تا بتوانند این هشتاد عنوان کتاب را برای شما آماده بسازند. ما امیدوار هستیم شما این کتاب ها را در خانه ها، مکاتب و جوامع تان در اختیار خود داشته باشید و از خواندن این کتاب ها لذت ببرید.

از کتاب های تان محافظت کنید و آنها را با دوستان، خواهران و برادران خود شریک سازید.

برای تان لحظات خوش و پر از مطالعه آرزو میکنم.

انا ماریا لوکسین

رئیس موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

شیر ظالم به خرگوش وظیفه داده بود که هر روز یک حیوان را برای نان چاشت به خانه‌اش بیاورد. اگر خرگوش غذا نمی‌آورد، ممکن بود خودش خورده شود.



بود نبود، در يك جنگل بزرگ، یک شیر ظالم زندگی می‌کرد.



چند لحظه بعد خرگوش را از دور دید که تنها به طرف او می‌آید. شیر فریاد زد: چرا تنها آمدی ای خرگوش نادان! پس نان چاشت من کو؟



شیر آن روز هم مثل هر روز دیگر منتظر نان چاشت بود، اما از نان چاشت خبری نشد. شیر لحظه به لحظه گرسنه تر و کم حوصله تر می‌شد. چهار طرف خانه‌اش قدم می‌زد و نعره می‌کشید.





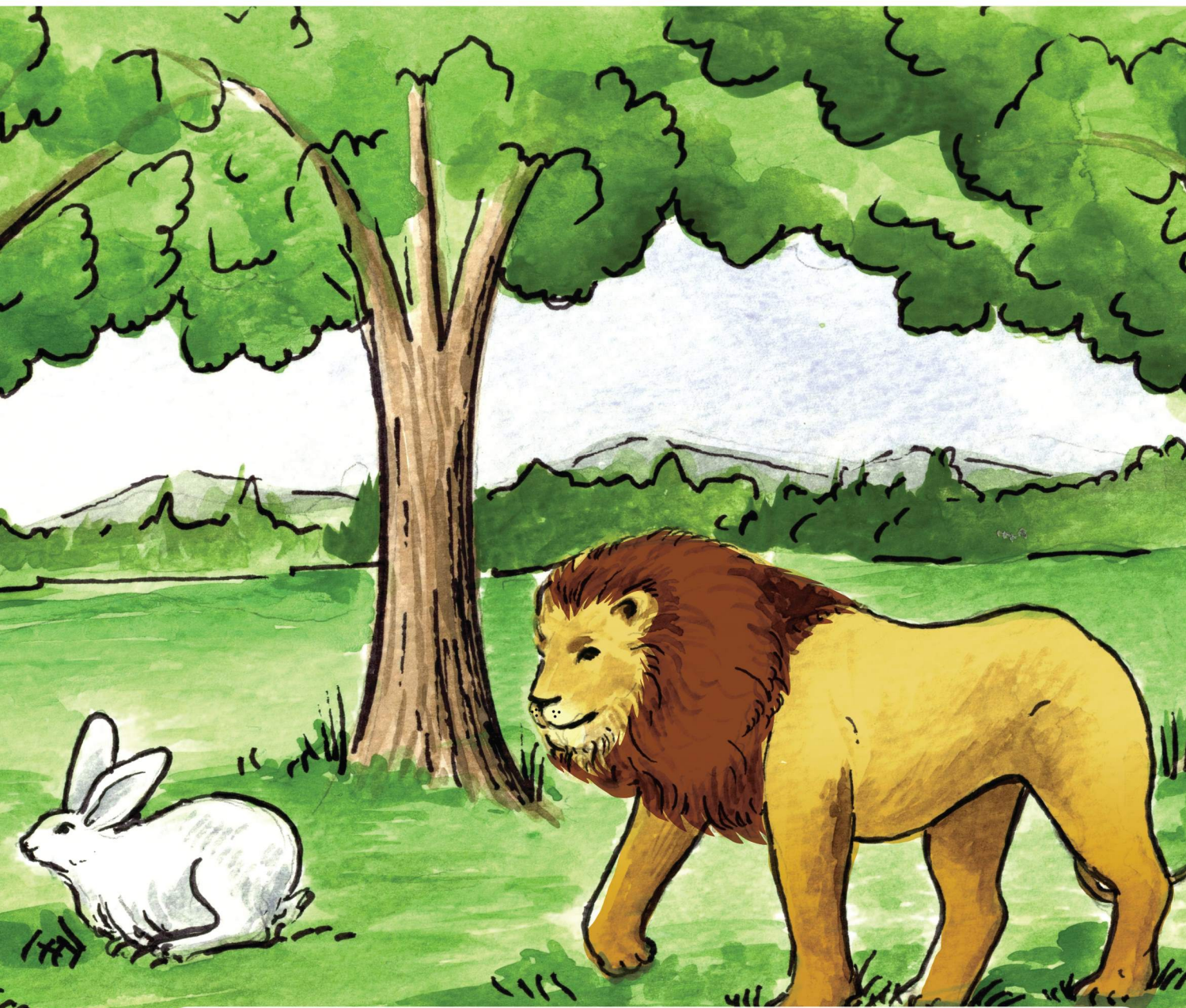
شیر نعره یی کشید و به خرگوش گفت: تنها سلطان جنگل من هستم.

۷

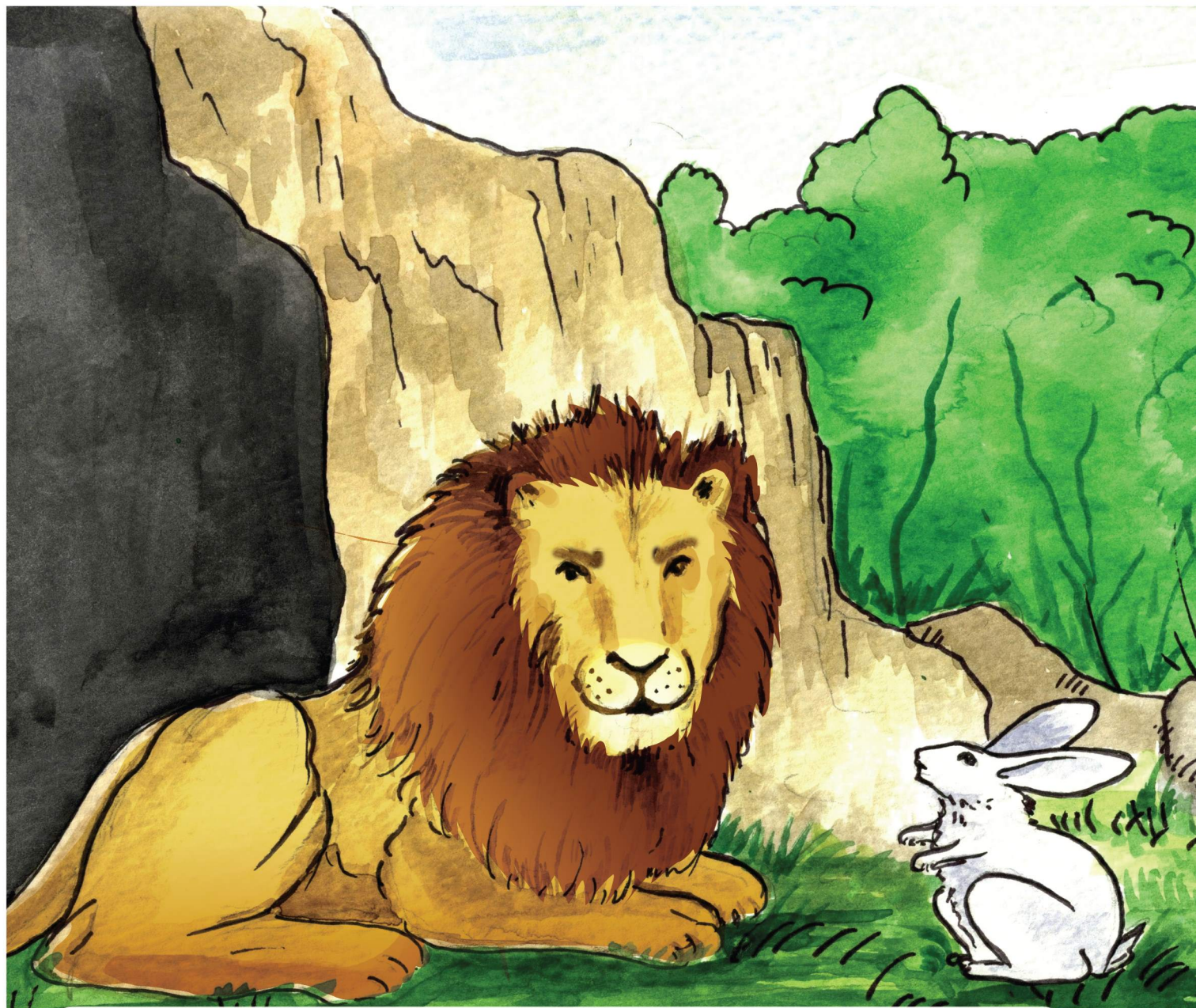


خرگوش که دست و پایش می لرزید، گفت: ای سلطان جنگل! نان چاشت شما را که می آوردم، در راه شیری قوی به من حمله کرد و نان چاشت شما را که بره گک خردترک بود، خورد.

۶



شیر که از شدت عصبانیت سرخ شده بود، چشمانش را سر خرگوش کشید و گفت: زودتر برویم که جزایش را بدهم.



خرگوش که از شدت ترس زبانش بند آمده بود، بریده بریده گفت: اگر حرفم را باور ندارید، بیایید تا از نزدیک آن شیر قوی هیکل را به شما نشان بدهم.

شیر نگاهی به درون چاه کرد و بعد نگاهی هم به خرگوش انداخت، لبخند زد و گفت: خرگوش نادان! تو می‌خواستی چالی را به من بزنی که قصه‌اش را پدرکلانم در کودکی برایم بارها گفته بود؟



خرگوش شیر را سر چاهی برد و گفت: ببینید! او همان شیری است که نان چاشت شما را خورده ...



بعد او را به دهن اش گرفته به طرف خانه اش برد. برادر کوچک خرگوش که شاهد این صحنه ها بود، دلش به حال او سوخت و فکر کرد که برای نجات برادرش چی می تواند بکند.



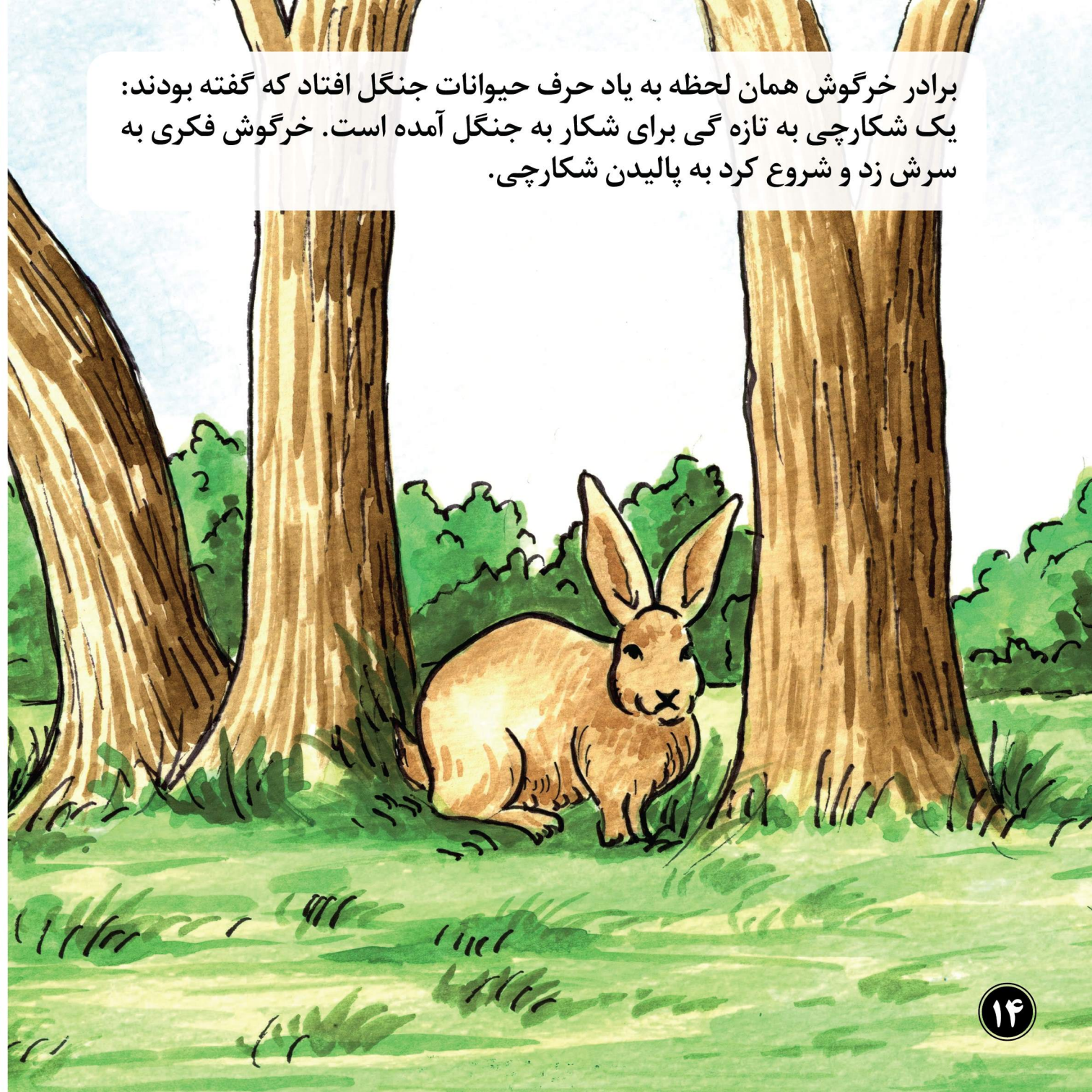
شیر سیلی محکمی به خرگوش زد و گفت: درس عبرتی به تو بدهم که دیگر هیچ حیوانی قصد فریب دادن شیر را نکند.



سرانجام، شکارچی را در گوشه‌ی بی از جنگل یافت. او برای اینکه نقشه‌اش را عملی کند، شروع به بالا و پایین پریدن کرد. شکارچی که از صبح شکاری نکرده بود، دنبال خرگوش به راه افتاد.



برادر خرگوش همان لحظه به یاد حرف حیوانات جنگل افتاد که گفته بودند: یک شکارچی به تازه گی برای شکار به جنگل آمده است. خرگوش فکری به سرش زد و شروع کرد به پالیدن شکارچی.



شکارچی که شیر را دید، خرگوش را رها کرد و رفت. دامی گذاشت و بعد با تفنگ خود فیری کرد. شیر که از صدای فیر ترسیده بود، گریخت؛ اما در حال گریختن بود که گرفتار دام شکارچی شد.



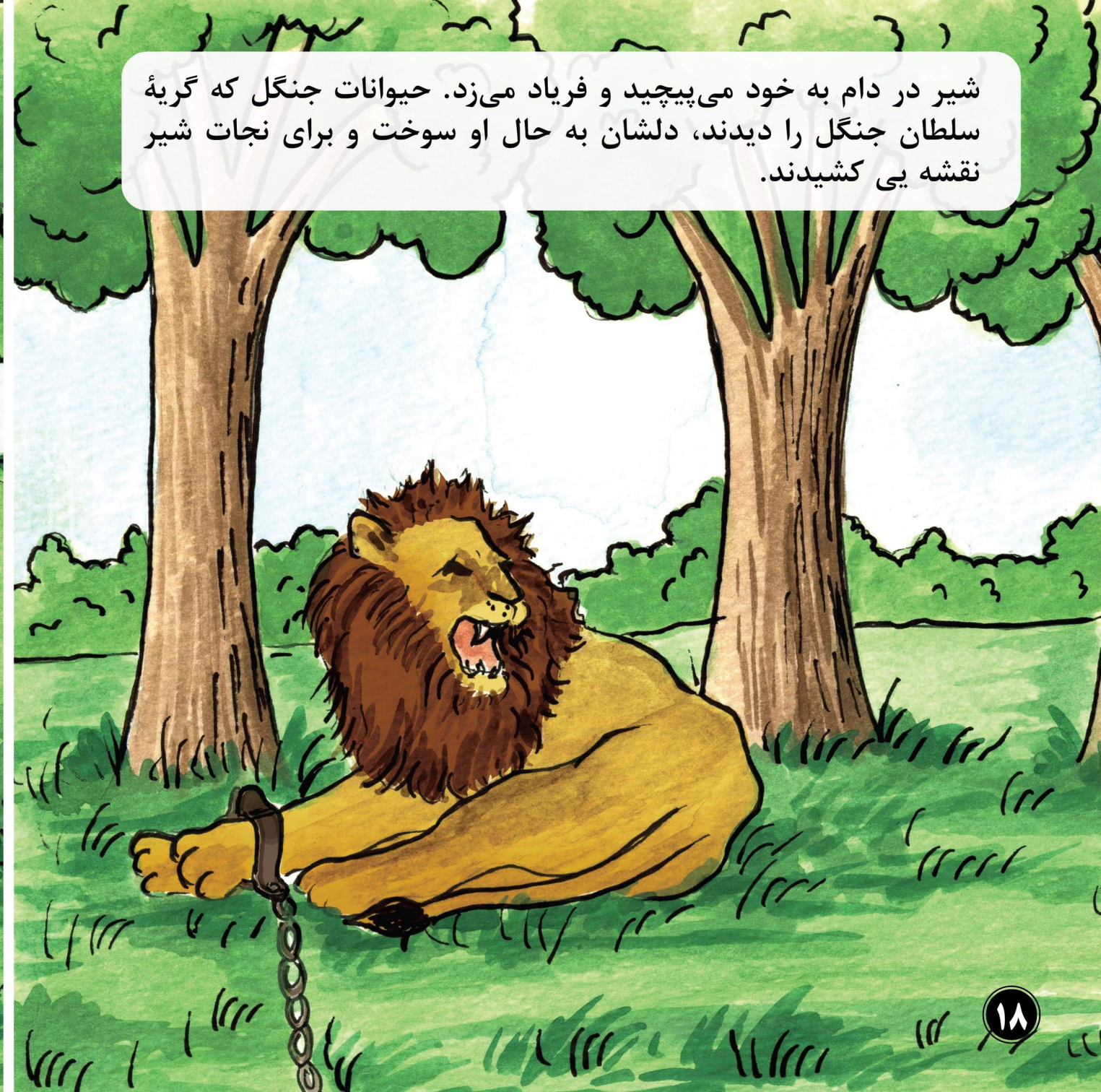
خرگوش باهوش خیزک زده شکارچی را به طرف خانه شیر کشاند. شیر، خرگوش را از یک گوشش به درخت آویزان کرده بود و غافل از ماجرا، او را به خوردن تهدید می کرد.



آهوی مقبول به طرف شکارچی رفت. شکارچی با دیدن آهو به طمع افتاد و شیر را که در دام بود، به حال خودش گذاشت و آرام آرام به طرف آهو رفت. آهو خیز زنان از شیر دور شد و شکارچی هم به دنبالش رفت.



شیر در دام به خود می پیچید و فریاد می زد. حیوانات جنگل که گریه سلطان جنگل را دیدند، دلشان به حال او سوخت و برای نجات شیر نقشه یی کشیدند.



حیوانات سراغ شیر به دام افتاده رفتند و دور او حلقه زدند. هر کدام با شیر مذاقی می کردند و یکجا می خندیدند. شیر که خود را گرفتار دیده بود، گریه کنان تقاضای کمک می کرد.



حیوانات جنگل اول به سراغ خرگوش رفتند و او را از درخت پایین آوردند. خرگوش از برادر کوچکش و حیوانات دیگر به خاطر ذکاوت شان تشکری کرد.



شیر هم وعده کرد و از بند آزاد شد. بعد از ساعتی، شکارچی خسته و ناامید از شکار آهو، سراغ شیر آمد؛ اما نه از شیر خبری بود و نه از دام... خسته و مانده از جنگل رفت و دیگر هم سراغ آن جنگل نیامد.



حیوانات با هم مشوره کردند و بعد خرگوش باهوش گفت: اگر وعده کنی که دیگر حیوانات جنگل را آزار ندهی، تو را می بخشیم و آزادت می کنیم!



از آن به بعد شیر حیوان مهربانی شد و از حیوانات در برابر هر خطری محافظت می‌کرد. حیوانات هم شیر را بسیار دوست داشتند و به او احترام زیادی می‌گذاشتند. بعد از آن حیوانات با خوشی و آرامی در کنار هم به زندگی ادامه دادند.



یاد آوری

این کتاب یکی از ۸۰ عنوان کتاب است که از طریق پروژه "بیاید برای اطفال افغان بنویسیم" تهیه و به چاپ رسیده است. پروژه "بیاید برای اطفال افغان بنویسیم" به هدف ترویج فرهنگ مطالعه بین اطفال افغان و همچنان بلند بردن مهارت های خواندن آنان از طریق مطالعه داستان ها و شعر های جالب کودکانه به راه انداخته شده است. کتاب های تهیه شده توسط این پروژه در چهار کتگوری سنی بطور ذیل تقسیم گردیده اند:

کتگوری اول: کودکان ۴ الی ۶ سال (دوره تعلیمات قبل از مکتب)

کتگوری دوم: کودکان ۷ و ۸ سال (شاگردان صنف اول و دوم)

کتگوری سوم: کودکان ۹ و ۱۰ سال (شاگردان صنف سوم و چهارم)

کتگوری چهارم: کودکان ۱۱ و ۱۲ سال (شاگردان صنف پنجم و ششم)

شایان ذکر است که از جمله ۸۰ عنوان کتاب قصه و شعر، به تعداد ۵۰ عنوان آن توسط نویسندگان افغان در داخل و بیرون کشور، ۲۰ عنوان توسط معلمین و ۱۰ عنوان هم توسط شاگردان نوشته شده اند. آثار معلمین و شاگردان مکاتب کشور به اساس یک رقابت که از سوی مؤسسه بین المللی حمایه اطفال به راه انداخته شده بود، گرد آوردی و از میان آنها ۳۰ اثر برتر، توسط کمیته ارزیابی و ویرایش که در آن نماینده گان با صلاحیت وزارت های محترم معارف ، اطلاعات و فرهنگ، پژوهشگران، نویسندگان افغان و کارشناسان مؤسسه بین المللی حمایه اطفال حضور داشتند برای چاپ برگزیده شده اند.



www.afghanistan.savethechildren.net
www.facebook.com/savethechildreninafghanistan
www.YouTube/savethechildreninafghanistan